



قیمت اشتراک سالانه در ایران  
یک تومان  
در سایر ممالک  
پنج فرانک

# کافه

۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار  
نشر میشود  
عنوان مراسلات  
Redaktion Kaveh  
Berlin-Charlottenburg  
Leibnizstr. 64

\* \* جمعه ۲۰ مهر ماه ۱۲۸۸ یزدگردی = ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۳۷ هجری \* 1. März 1919 . Nr. 34 . Jahrg. 4 \* \*

بطور اشتراک گذاشت حتی زنها را، همان حرفهائی است که امروز دسته اشتراکیون «کمونیست» که دسته‌های سوسیالیستها هستند میزنند چیزی که هست همانطور که علم نجوم امروز ترقیات محیر العقول نموده و داخلی بنجوم عهد خواجه نصیر و النج بیگ ندارد اصول سوسیالیستی کنونی هم که صدها علما و صاحبان فکر ممالک متمتعه را از یک قرن باین طرف مشغول خویش داشته طرف مقایسه با اقوال پریشان و بی ترتیب پیشینان هزار سال پیش نیست.

اساس سوسیالیسم کنونی بر روی مطالبی چند است که عموم دسته‌های مختلف سوسیالیستها با آن همراه هستند و مطالب مزبور از قرار ذیل است:

اولاً در نظر کلیه سوسیالیستها جهت حقیقی اغتشاشات اجتماعی این است که ثروت و دارائی در دست عده قلیلی جمع شده است و این عده کم را در حقیقت مالک رقاب نموده بطوریکه نفی که از کار و زحمت عموم مردم حاصل متبوع بکس آنها میرود.

از اینرو سوسیالیستها در صدد هستند که ترتیبات و انتظامات هیئت اجتماعی را بطور دیگری در آورند که ترتیب سرمایه داری و مزدوری

## فتح و ظفر اجتهایون عامیون (سوسیالیسم) در آلمان

نظر بانقلاباتی که در این اواخر در آلمان روی داده و دسته «سوسیالیست» هارا سرکار آورده در ذیل شرح مختصری از ظهور طریقه اجتماعی سوسیالیسم در آلمان و نشو و نمای آن در آن مملکت فقط از نقطه نظر تاریخی بنظر خوانندگان میرسانیم:

باید دانست که اصول و قوانین «سوسیالیستی» از زمانهای بسیار قدیم در میان بوده و چیز بکلی تازه‌ای نیست چنانکه در ایران قدیم خودمان هم اصول کیش مزدک در عهد قباد ساسانی در اواخر قرن پنجم میلادی با اغلب اصول «سوسیالیسم» کنونی یکی میباشد و حرفه‌های مزدک مثل آنکه مثلاً «مردم همه یکسانند و هیچ کس نباید بر دیگری ترجیح و برتری داشته باشد و هیچ چیز نباید بشخص مخصوص متعلق گردد و اشیارا باید میان مردم

اجرا در آمد روز بروز بر عده طرفداران دسته افزوده گردید چنانکه در سال ۱۲۹۰ عده آنها ۶۰،۰۰۰ نفر گردید. در این بین دستور آنها هم روز بروز تندتر و تقاضاهای آنها مفرطتر میگردد.

روزنامه مسلکی آنها هم در برلن نشر میشد و موسوم بود به «سوسیالدموکرات». مقارن همان اوقات در جمادی الاولی ۱۲۸۶ و بلهلم لیکنشت<sup>(۱)</sup> و اوگوست بیل<sup>(۲)</sup> که هر دو از مشاهیر سوسیالیستهای آلمان هستند باشاره استاد خود کارل مارکس<sup>(۳)</sup> مشهور آلمان که در حقیقت بانی اساس سوسیالیسم علمی کنونی است دسته دومی با نام دسته «عملجات سوسیالدموکرات» ایجاد نمودند. برای این مقصود مشار الیها که هر دو عضو هیئت بودند که با نام «هیئت بین المللی عملجات» در ۱۲۸۳ تشکیل شده بود پس از زحمات فراوان در تاریخ مزبور کنگره‌ای از تمام اتحادیه‌های عمومی عملجات در شهر ایزناخ<sup>(۴)</sup> گرد آورده و در آنجا دسته سابق الذکر را با عنوان شعبه آلمانی هیئت بین المللی ایجاد نمودند. پیروان این دسته تازه معروف بودند به «ایزناخیا» و هم از راه تمسخر آنها را «دسته با شرفها» میخواندند. دو دسته مذکور پس از آنکه در انتخابات سال ۱۲۹۱ دیدند قوتشان تقریباً برابر است از زد و خورد و مبارزه بین خود دست برداشته و از زور اذیت و آزار نظمیه هم کم کم زدیک شده و در کنگره سوسیالیستها که در سال ۱۲۹۲ در شهر گتا<sup>(۵)</sup> تشکیل یافت با نام «دسته عملجات سوسیالیست آلمان» یکی شدند و روزنامه مسلکی دسته تازه «فلکس اشتات»<sup>(۶)</sup> (دولت ملی) بود که بعدها «فورورس»<sup>(۷)</sup> (ترقی) شد. این دسته در ظرف مدتی اندک ترقی بسیار نمود چنانکه در سال ۱۲۹۴ دارای ۴۱ روزنامه سیاسی و ۱۵۰،۰۰۰ مشترک بود. یکی از وسایل مهم ترقی این دسته داعیان و ناطقینی بودند که از طرف دسته با آنها مواجب داده میشد. و انتخابات پارلمانی بخوبی این ترقی را محسوس میدارد:

در سال ۱۲۸۸ عده رای دهنده ۶۵۰،۱۲۴ نفر بود و  
 « » « » « » « » « » « » « » « »  
 « » « » « » « » « » « » « » « »

در مقابل ترقی فوق العاده دسته مزبور دولت بجاگ گردیده و در صدد اقداماتی بر آمد که از آن جمله بود گذراندن قانونی در تاریخ ۲۴ شوال ۱۲۹۰ در مجلس شورای ملی که قبل از آنکه موعدش سرآید دوباره تجدید شد و تا ۱۵ صفر ۱۳۰۸ امتداد یافت. قانون مذکور مجامع و محافل و طبع نوشتجات سوسیالیستی را غدغن نموده و مقرر داشت که دولت حق داشته باشد داعیان رسمی آن دسته را طرد و تبعید نماید و مراکز و کتابخانه‌های دسته را ببندد و در مواقع مخصوص در هر کجا لازم باشد حکومت نظامی برقرار دارد. ولی این قانون و اقدامات دیگر دولت نتوانست جلوی ترقی سوسیالیستها را بگیرد چنانکه در همان چند سال باز بر عده آنها مدام افزوده میشد از این قرار:

تا حد مقدور محدود و بلکه بکلی منسوخ گردد. و هم در سر همین مسئله است که میان دسته‌های سوسیالیستها بنا بآنکه در باب نسخ سرمایه‌داری و مزدوری مفرط یا معتدل میباشند اختلافاتی پیدا میشود چنانکه آنها را که اصلاً بر ضد تملک شخصی هستند و نسخ آنرا خواهانند مانند بالشویکهای روسیه و «اشپارتاکوسهای»<sup>(۱)</sup> آلمان اشتراکیون «کمونیست» خوانده میشوند و آنها را که فقط نسخ تملک آن گونه اشیائی را میخواهند که بکار بعمل آوردن مال التجاره میخورد مانند کارخانه و سرمایه و غیره هیئتون «کلیتیویست»<sup>(۲)</sup> و بالأخره دسته‌ای که فقط بر ضد تملک اراضی است اجتماعتون زمینی «سوسیالیست آگرر»<sup>(۳)</sup> نامیده میشوند. ثانیاً سوسیالیستها عموماً در صدد هستند که بر وسعت اختیارات هیئتهای اجتماعی بیافزایند چه نماینده این هیئتها دولت باشد یا هیئتهای عمله و کارکنان (در روسیه و آلمان هیئت عمله و سرباز) و یا قری و قصبات یعنی مقصدشان این است که کارها واموری را که امروز در دست اشخاص و افراد است از آنها گرفته و در اداره هیئت اجتماع داخل نمایند. از این قرار مثلاً دیگر هر کسی حق ایجاد کارخانه و بانک و تجارتخانه و مکتب و مدرسه و حمام و چیزهای دیگر از این قبیل نخواهد داشت و این کارها هم مثل امور بلدیة و غیره جزو اختیارات و اداره هیئت اجتماع خواهد بود خواه نماینده آن هیئت اجتماع چنانکه مذکور گردید دولت باشد یا هیئت دیگری. ثالثاً عمده‌ترین صفت «سوسیالیسم» کنونی آن است که بکلی طرفدار طبقه عمله و مزدور است و غیر از عمله کسی را نمیشناسد و تنها منافع این طبقه را منظور داشته و منافع طبقات دیگر ملت را مخالف منافع طبقه کارگران میدانند و مسئله «مبارزه طبقات» که نقطه اصلی دستور و نظامنامه «سوسیالیستها» است از همین بابت است.

اما ظهور طریقه «سوسیالیسم» را در آلمان باید از ۴۰ ذی الحجه سال ۱۲۷۹ دانست که در آن وقت فردیناند لاسال<sup>(۴)</sup> مشهور «اتحاد عمومی عملجات آلمانی» را که اولین بنای تشکیلات «سوسیالدموکراسی» در آلمان شد بنا نهاد. و از مختصات مهم «سوسیالدموکراسی» آن است که سوسیالدموکراتها در دستور خود بعضی پیشنهادهای قانونی هم در نفع طبقات پست ملت نموده‌اند که باید مجری شود در صورتیکه سوسیالیستهای دیگر عموماً تنها بطور انحصار در فکر طبقه عمله هستند و بس.

مقصد عمده «اتحاد عمومی عملجات آلمانی» آن بود که «از راه صلح و مسالمت و قانونی» در راه بدست آوردن حق انتخابات عمومی و مستقیم و مساوی و مخفی که در آن تاریخ در آلمان وجود نداشت جد و جهد نمایند و از اینرو «نمایندگی کافی طبقه عمله و از میان برداشتن اختلافات طبقه‌ای را در هیئت اجتماع بفعل آورند». چهار سال پس از تاریخ مذکور بیزمارک قانون انتخابات عمومی را در ممالک شمالی آلمان مجری داشت و مقاصد «سوسیالدموکراتها» در مجلس شورای ملی آلمان کم کم مطرح مذاکره گردید و پس از آنکه قانون انتخابات عمومی در کلیه آلمان بمقلم

Karl Marx (۳) A. Bebel (۲) W. Liebknecht (۱)  
 Vorwärts (۷) Volksstaat (۶) Gotha (۵) Eisenach (۴)

Socialiste agraire (۳) Collectiviste (۲) Spartakus (۱)  
 F. Lasalle (۴)

نماینده حاضر میشد بعلاوه کلیته وکلای مجلس شوری و رؤسای دسته که بعداً ۱۲ نفر هر ساله در همان «روزدسته» انتخاب میشدند و ه نفرشان مأمور انجام امور دسته و ۷ نفر دیگر مأمور کار سرکشی و نظارت بودند.

در این بینها معلوم است بعضی اختلافات نظری هم در میان میامد مثلاً در حدود ۱۳۰۸ یک دسته از سوسیال دموکراتها با اسم دسته «جوانان»<sup>(۱)</sup> بنای پاره‌ای اعتراضات گذاشتند ولی در اجتماع سالیانه سال ۱۳۰۹ رؤسای دسته مزبور را از دسته سوسیال دموکراسی بیرون کردند و اختلافات باین قرار رفع شد. پس از آن هم باز عدّه دیگری از خوش بینان دسته بعنوان آنکه باید دست از بعضی تقاضاهای سنگین برداشته و بکارهایی شروع کرد که اجرای آن با وضع کنونی هیئت اجتماع ممکن است بنای زمزمه‌ها گذاشتند و از اینراه اختلافات نظری بمیان آمد و هیئت مدیره دسته در صدد برآمد که دسته در اجتماع سالیانه سال ۱۳۱۲ در خصوص عدم اطمینان از این عدّه تازه رای بدهد ولی پیش نبرده و از آن بعد جریان در دسته پیدا شد که نسبتاً معتدل است و این جریان روز بروز بطریقه دموکراسی نزدیکتر میگردد.

خلاصه با وجود اینها سوسیال دموکراتها هر روز ترقی نموده و بر عدّه خود میافزودند چنانکه از صورت ذیل راجع بانخابات در آلمان و عدّه وکلای سوسیال دموکرات در سالهای مختلف این مسئله بخوبی بدست میآید:

انتخابات پارلمانی سال	وکلا سوسیال دموکرات	کل وکلای پارلمان	رای برای وکلای سوسیال دموکرات	کل آراء در مملکت آلمان
۱۲۸۱	۲	۳۸۲	۱۲۳'۹۷۵	۹'۸۸۸'۰۹۵
۱۲۹۱	۹	۳۹۷	۳۵۱'۹۵۲	۵'۱۹۰'۲۵۴
۱۲۹۴	۱۲	۳۹۷	۴۹۳'۲۸۸	۵'۴۰۱'۰۲۱
۱۲۹۵	۹	۳۹۷	۴۳۷'۱۵۸	۵'۷۶۰'۹۴۷
۱۲۹۹	۱۲	۳۹۷	۳۱۱'۹۶۱	۵'۰۹۷'۷۶۰
۱۳۰۲	۲۳	۳۹۷	۵۴۹'۹۹۰	۵'۶۶۲'۹۵۷
۱۳۰۵	۱۱	۳۹۷	۷۶۳'۱۲۸	۷'۵۴۰'۹۳۸
۱۳۰۸	۳۵	۳۹۷	۱'۴۲۷'۲۹۸	۷'۲۲۸'۵۴۲
۱۳۱۱	۴۴	۳۹۷	۱'۷۸۶'۷۳۸	۷'۶۷۳'۹۷۴
۱۳۱۶	۵۶	۳۹۷	۲'۱۰۷'۰۷۶	۷'۷۵۲'۶۹۴
۱۳۲۱	۸۱	۳۹۷	۳'۰۱۰'۷۷۱	۹'۴۹۵'۵۸۶
۱۳۲۵	۴۳	۳۹۷	۳۲۵'۰۲۹	۱۱'۲۶۲'۸۲۹
۱۳۳۱	۱۱۰	۳۹۷	۴۲۵'۳۹۹	۱۲'۲۰۷'۶۳۲

چنانکه در فوق دیده میشود در انتخابات ۱۳۳۱ عدّه وکلای سوسیال دموکراتها به ۱۱۰ رسید و از اینرو چون بزرگترین «فراکسیون» (دسته) را تشکیل میداد وکلای مزبور خواستار شدند که ریاست مجلس شوری با

در سال ۱۳۰۲ ..... ۵۴۹'۹۹۰ نفر و

در سال ۱۳۰۵ ..... ۷۶۳'۲۲۸ نفر بود.

پس از آنکه قانون سابق الذکر از مجلس شورای ملی گذشت سوسیال دموکراتهای آلمان مرکز روزنامه مسلکی خود را در سوسیال در شهر زوربخ برقرار نموده و شروع بنشر روزنامه موسوم به «سوسیال دموکرات» کردند.

در جمادی الآخره ۱۳۱۷ سوسیال دموکراتها باز در شهر ارفورت<sup>(۱)</sup> کنگره‌ای منعقد نموده و در آنجا دستورنامه تازه‌ای برای خود ترتیب دادند که مواد اصلی آن از قرار ذیل است:

۱ - حق انتخابات مساوی و مستقیم و مخفی برای کلیه تبعه مملکت از زن و مرد که ستمشان از ۲۰ سال متجاوز باشد برای کلیه انتخابات و برای مواقعی که دادن رای لازم میشود از روی انتخابات نسبی و تا وقتکه انتخابات نسبی جاری نشد. تین حوزه‌های قانونی انتخابات از روی عدّه نفوس ساکنین - دوره تقنینیه دو ساله - انتخابات و اخذ رای در روزهای تعطیل قانونی - ادای وجه خسارت بنمایندگان منتخب شده - حذف هر آنچه برضد اجرای کامل حقوق سیاسی است جز در موضوع قیومیت.

۲ - وضع قانون بتوسط ملت مستقیماً بوسیله حق پیشنهاد و حق رد - ملت در مملکت و ایالتها و دهات و قصبات و شهرها اختیارات کامل دارد در آنکه در زیر تبعیت هر دولتی که بخواهد در آید و یا بنهائی مستقل باشد و هم حق اداره نمودن امور خود را بطور استقلال دارد<sup>(۲)</sup>. انتخاب اولیای امور با ملت است و اولیای امور مسئول و ممکن التوقیف هستند - تعیین مبلغ مالیات هر ساله است -

۳ - تعلیم نظامی عمومی - قشون ملی بجای قشون مستمر - تصیم جنگ و صلح با هیئت نمایندگان ملت است - حل و عقد مشاجرات بین المللی از راه حکمیت است -

۴ - حذف قانونهائی که حق اظهار عقیده و حق تشکیل اتحادیه و حق اجتماع را محدود میکند یا از آنها جلوگیری مینماید.

۵ - حذف قانونهائی که زن را در روابط عمومی و خصوصی تابع مرد قرار میدهد.

۶ - امر شخصی و خصوصی بودن دین.

۷ - آزادی مدارس از قیود مذهبی<sup>(۳)</sup> - تعلیم مجبوری مدارس ملی عمومی - تدریس مجانی.

۸ - مجانی بودن محکمه‌ها و قضات و وکلا - محاکمات بتوسط قضاتی میشود که از طرف ملت منتخب شده اند - استیناف در موقع احکام جزائی - غرامت بکسانی که بدون گناه نسبت تقصیر بآنها داده شده و یا آنکه بدون گناه محکوم و یا حبس شده‌اند - نسخ جزای اعدام.

۹ - مجانی بودن معالجات و زائمان و دواجات و کفن و دفن.

۱۰ - مالیات تصاعدی از عایدات و ثروت برای مخارج عمومی تا اندازه‌ای که از عهده این مخارج بتوسط مالیات بتوان برآمد - تخمین ثروت و عایدات با خود مالیات دهنده است - مالیات تصاعدی از ارث با نسبت مبلغ و دوری قرابت - نسخ کلیه مالیاتهای غیر مستقیم و کمرکات و غیره.

سوسیال دموکراتها بمناسبت آنکه قوانین مملکتی با اجتماعات مساعد نبود در ظاهر تشکیلاتشان سست بنظر میامد و هیئت عالی آنها عبارت بود از مجلسی که سالی یک بار با اسم «روزدسته»<sup>(۴)</sup> در یکی از شهرهای آلمان تشکیل مییافت و در آن از هر حوزه انتخابات سوسیالیستی آلمان یک

(۱) Erfurt

(۲) Selbstbestimmung und Selbstverwaltung = Droit de disposer de soi-même et droit d'être administré par soi-même.

(۳) Parteitag (۴) Laïcisation = Weltlichkeit. (۳)

Jungen (۱)

هم که در دهه اول ربیع الثانی (۱۳۳۷) بین دولت و دسته «اسپارتاکوس» و «سوسیالیستهای مستقل» در برلن واقع شد تا امروز که ۱۱ ربیع الثانی است فتح و ظفر بکلی با دولت یعنی با دسته سوسیالیستهای اکثریت بوده است. اکنون باید منتظر بود و دید در ۱۶ ربیع الثانی که روز «اجتماع ملی» است و از تمام نقاط آلمان نمایندگان ملت جمع خواهند شد اکثریت ملت با کدام دسته همراه خواهد بود و عواقب آن چه خواهد شد.

## نظر اجمالی باوضاع ایران

متأسفانه در این اواخر خبرهای مستقیم راجع باوضاع اخیر ایران در دست نیست و پس از تخلیه ولایات شمال غربی ایران از قشون عثمانی و برطرف شدن عذر دولت انگلیس در باب نگاهداشتن قشون خود در ایران معلوم نیست که دولت مشارالها چه رویه‌ای در ایران پیش گرفته و آنچه محقق است هنوز از تخلیه ایران از قشون انگلیس که همیشه آنرا بعد از خارج شدن قشون عثمانی و برطرف شدن خطر تهدید منافع آنها از طرف سایرین وعده میدادند اثری ظاهر نیست.

علیق‌خان مشاور الممالک<sup>(۱)</sup> وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران برای سی در پیشرفت مقاصد ملی ایران در مجلس صلح با یک هیئت مأمور شده و چندی پیش وارد پاریس گردیده‌اند و از قرار مسومع میرزا حسین خان معین‌الوزاره با میرزا محمد علی خان ذکاء الملک و میرزا سید ابوالقاسم خان انتظام الملک نیز جزو هیئت مذکور میباشند و علیق‌خان نیل الدوله کفیل سفارت امریکارا هم برای معاونت فکری از امریکا خواسته‌اند.

اوضاع داخلی ایران - روزنامه «منجستر گاردیان» در ۱۱ اکتوبر ۱۹۱۸ شرحی راجع بقحطی در ایران بنا بیک مراسله پروفیسور ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی نوشته و مخصوصاً وضع اصفهان را بر تاریک تصویر مینماید. نظر بمندرجات روزنامه مذکور گویا بجهت خرابی محصول زراعت از یک طرف و نا امنی و اغتشاش مملکت از طرف دیگر عده‌ای زیاد از فقرای آنجا از گرسنگی بدود زندگی مینمایند و بنا بنوشته یکی از طیبیه‌های دعاة مسیحی نعشهای مردگان در سر گذرها انداخته شده است تا عابرین پولی برای مخارج تدفین آنها بدهند و بسا واقع میشود که پدران اولاد خود را زهر داده و میکشند برای آنکه

(۱) مشارالیه مدتها در پترسبورگ جزو مأمورین سفارت ایران و اخیراً کفیل سفارت بود بعد بایران برگشته در سال ۱۳۳۳ معاون وزارت خارجه شد سال دیگر در ۱۷ ماه صفر ۱۳۳۴ در جزو هیئت وزرای شاهزاده عبدالحسین میرزای فرماقرما بوزارت امور خارجه منصوب و بعد از دوماه یعنی اواخر ماه ربیع الثانی که هیئت وزرای مذکور بهم خورد او هم خارج شده تا اینکه در ۶ ماه ربیع الثانی ۱۳۳۶ در جزو هیئت وزرای میرزا حسن خان مستوفی الممالک مجدداً وزیر امور خارجه شده و پس از آن در هیئت وزرای نجفقلی خان صمصام السلطنه و بالأخره در هیئت وزرای حایه میرزا حسن خان وثوق الدوله مقام مذکور را داشته است.

یک نفر از آنها باشد ولی بی‌سابق الذکر که نامزد این مقام بود نتوانست نامزدی خود را پیش ببرد ولی شایدمان<sup>(۱)</sup> که یکی از وکلای مشهور دسته بود مقام نایب رئیسی اول یافت.

در اجتماع سالیانه سال ۱۳۳۱ بعضی تغییرات در دستورنامه دسته بعمل آمد که مهمترین آنها از قرار ذیل است: اولاً از اختیارات هیئت مدیره کاسته شد باین معنی که هیئت مرکب از ۳۲ نفر بنا شد دارای رأی قطعی در امور دسته باشد و هیئت مدیره سابق فقط کفالت امور اداره‌ای را در دست داشته باشد. ثانیاً بنا شد که دیگر در اجتماعات سالیانه حضور کلیه وکلای مجلس شوری ضروری نباشد و فقط حضور یک ثلث شرط باشد. ثالثاً مقرر شد که یکی از دو منشی کل دسته یک نفر زن باشد. رابعاً وجه ماهیانه‌ای که اعضای دسته می‌پرداختند از ۳۰ فنیک (تقریباً ۴ عباسی) به ۴۰ فنیک (تقریباً یک قران) برده شد و مال زنها از ۱۵ فنیک (تقریباً ۲ عباسی) به ۲۰ فنیک (تقریباً ۱۰ شاهی).

بعدها پس از آنکه جنگ شروع شد مابین سوسیال دموکراتها اختلافات نظر قوت پیدا کرد چنانکه از وکلای مجلس دسته‌ای که معتدل تر بودند ریاست شایدمان سابق الذکر و ابرت<sup>(۲)</sup> باسم دسته اکثریت تقریباً از دسته دیگر که در تحت ریاست هازه<sup>(۳)</sup> باسم «سوسیالیستهای مستقل» تشکیل یافته بود جدا شدند. در میان وکلای چپ سوسیالیستها لینکنشت نامی که پسر لینکنشت سابق الذکر است و در عقاید سوسیالیستی بسیار مفرط و تند بود در همان مجبوحه جنگ علناً بنای تنقید دولت را گذاشته و مردم را بشورش و طغیان دعوت مینمود و بدین مناسبت از طرف دولت محبوس شد و همان طور در حبس بود تا آنکه بعدها و قتیکه در نتیجه استعفاى هر تلینگ از صدر اعظمی آلمان چنانکه در شماره ۳۳ «کوه» مذکور گردیده در ۲۷ ذی الحجه ۱۳۳۶ شاهزاده ماکس صدر اعظم شد و هیئت وزرائی تشکیل یافت که شایدمان مذکور در آن دارای مقام وزیر بی شغل بود کم‌کم قوه سوسیالیستها خیلی زیاد شد و زمینه انقلاب حاضر و منجر گردید با انقلاب صفر ۱۳۳۷ که سلطنت آلمان یکباره صورت دیگری گرفته و بدست ملت و سوسیالیستها افتاد. و در همین موقع صدر اعظمی شاهزاده ماکس بود که لینکنشت سابق الذکر بانی دسته «اسپارتاکوس»<sup>(۴)</sup> که تندروترین دسته سوسیالیستها است هم از حبس خلاصی یافت. پس از انقلاب هیئت سرباز و عمله آلمان اختیارات را بدست هیئت داد ۶ نفری که ۳ نفر آن از سوسیالیستهای اکثریت (ایرث - شایدمان - لاندسبرگر<sup>(۵)</sup>) و ۳ نفر دیگر از دسته سوسیالیستهای مستقل (هازه - بارث<sup>(۶)</sup> - دیتمان<sup>(۷)</sup>) بودند ولی ۳ نفر اخیر بمناسبت اختلافات نظری که در میان بود و مانع پیشرفت کار بود از هیئت خارج شدند و بجای آنها دو نفر دیگر از همان سوسیالیستهای اکثریت (نوسکه<sup>(۸)</sup>) - ویسل<sup>(۹)</sup> در هیئت داخل شدند و از این قرار امروز اختیارات بکلی در دست همان دسته اکثریت است و در زد و خورد های خونینی

Spartakus (۴) Haase (۳) Ebert (۲) Scheidemann (۱)  
Wissell (۹) Noske (۸) Dittmann (۷) Barth (۶) Landsberg (۵)

هر حیث دارای اهمیت بسیار می‌باشد چه از یک طرف سلطنت ۲۳۷ ساله خانواده هوهنتزولرن<sup>(۱)</sup> در پروس (۱۱۰۰-۱۳۳۷) که آخرین فرد آن امپراتور ویلهلم دوم بود از میان رفت و از طرف دیگر هیئت دولتی که بیشتر اعضای آن سوسیالیست هستند بر سر کار آمد.

هیئت دولتی که پس از انقلاب ۴ صفر ۱۳۳۷ بر سر کار آمد موقتی بود و مقرر شده بود که در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷ ملت آلمان وکلان انتخاب نماید که در یک مجلس اساسی «مجمع ملی»<sup>(۲)</sup> جمع شده و قانون اساسی تازه مملکت را وضع نموده و دولت قانونی تازه‌ای تشکیل دهند. اکثریت عمده ملت آلمان هم با این ترتیب همراه بود ولی دسته سوسیالیستهای بکلی چپ یعنی مفرط موسوم به «اسپارتاکوسی» ها که مسلکشان تقریباً همان مسلک «بالشویکی» های روسیه است با نظریات سوسیالیستهای دیگر مخالف بودند و نظرشان این بود که اختیارات دولتی باید فقط در دست هیئتهای عمده و سرباز باشد و سایر طبقات ملت در آن دستی نباید داشته باشد. رؤسای حقیقی این دسته علاوه بر کارل لیبکنشت (رجوع شود بمقاله اساسی همین شماره) زنی بود اصلاً لهستانی و موسوم به رزا لوکزمبورگ<sup>(۳)</sup>. و هم باید دانست که اسپارتاکوس در تاریخ اسم غلامی است که در حوالی سال ۷۰ میلادی در روم قدیم قریب ۷۰ هزار نفر غلامان را شورانده و مدت دو سال تمام با شجاعت و فداکاری هر چه تمامتر با قشونهای متوالی روم جنگید تا آنکه بالاخره در سال ۷۱ میلادی کشته شد و نام وی ضرب المثل ماند. خلاصه اسپارتاکوسها چندین بار در برلن در صدد برآمدند که هیئت دولت را سرنگون نمایند ولی بالاخره موفق نشدند همینقدر باید دانست آخرین باری که طغیان نمودند ۲ ربیع الثانی ۱۳۳۷ بود که با سرعت تمام اغلب ادارات و مطبوعه‌های روزنامه‌های عمده برلن و بعضی ادارات و مراکز مهم دیگر را بتصرف در آورده ولی کم کم دولت هم قوائی از خارج و داخل شهر فراهم آورده و کار را با اسپارتاکوسها سخت گرفت تا بالاخره در شب ۱۳ ربیع الثانی مزبور لیبکنشت و رزا لوکزمبورگ هر دو بر تریبی که حقیقتش هنوز کاملاً معلوم نشده دستگیر و کشته شدند.

چند روز بعد (۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷) روز انتخابات بود برای «مجمع ملی».

این انتخابات که بنا بقانون انتخابات جدید مساوی و عمومی و مخفی و مستقیم برای کلیه تبعه آلمان از زن و مرد که سنشان از ۲۰ سال متجاوز باشد بود تازگی مخصوصی که داشت این بود که نسبی بود و از آنجائی که این مسئله دارای اهمیت مخصوص است در اینجا بعضی تفصیلات در آن خصوص داده میشود:

مردن آنها را از گرسنگی نیندند و همچنین بچه‌هایی را که پدر و مادرشان مرده و یا از پرستاری آنها عاجز مانده اند بمریضخانه دعای مسیحی می‌سپارند که آنها را غذا بدهند و گویا تمام مریضخانه از این قیل بدبختان نیم مرده پر است و عدّه کمی از آنها قوه بهبودی دارند... طبیعتاً مشار الیها مینویسد که در ظرف شش ماه گذشته کارکنان هیئت دعای مسیحی انگلیسی تکالیف خود را در اقدام بامور بریه با کمال خوبی انجام داده اند بطوریکه از دهات اطراف اصفهان گندم و آرد خریده و بتوسط قوای مسلح وارد شهر نموده و در نانواخانههای خود مریضخانه نان پخته بمردمان فقیر توزیع نموده‌اند. ولی با وجود این قحطی روز بروز شدت کرده و وجوهی که از طرف هیئت مذکور جمع آوری شده همانا قریب بتمام شدن است و اگر بزودی زود کمک نقدی از انگلستان بآنها نشده و پول فرستاده نشود هزارها مردم از گرسنگی خواهند مرد.

در خود طهران اگرچه قیمت جنس نسبت بسال گذشته خیلی تنزل کرده یعنی پاره‌ای اوقات گندم از دویست تومان بتقریباً پنجاه تومان و جو از صد و شصت تومان سی تومان رسیده ولی هنوز وحشت و اضطراب مردم از بابت کمی محصول و قحطی امسال روزه بروز در ازباید بوده است و یکی از عمده ترین اسباب اضطراب مردم پیش خری بانک شاهنشاهی و سایر عمال انگلیسی است که جنس را پیش از موسم برای قشون انگلیس می‌خرند. قیمت امتعه خارجه خیلی بالا رفته مثلاً قند یک من تبریز پنج تومان، چائی یک گروانکه سه تومان، ماهوت معمولی ذری ۸-۱۰ تومان. خود انگلیسها امتعه خارجه وارد ایران کرده می‌فروشند. مخصوصاً در این اواخر امتعه زاپونی زیاد وارد ایران میشود. قیمت نان نسبت بسایر ارزاق چندان فاحش نیست یعنی یک من ۳-۴ قران و این قیمت ناخواهائیه است که از طرف حکومت جنس بآنها داده میشود. قیمت برنج وسط هم ۱۳-۲۴ قران بوده است. نیز علاوه بر ناخوشیهای وبا و حصه و مطبقه وتب و لرز اسپانیولی وتب و لرز مکزیکی که پارسال شیوع داشته است اوایل امسال نیز تب و لرز مخصوصی که در طهران آزا تب و لرز پنجاه ساعتی مینامند شایع شده است که اغلب مهلک میباشد. و از اخباری که بعد از انتشار شماره اخیر کاوه مطلع شده ایم اینکه شاهزاده مسعود میرزای ظل السلطان و حاجی محمد کاظم ملک التجار تبریزی و حاجی محمد علی شالفروش معروف بحاجی علی حاجی حبیب نیز وفات یافته‌اند.

## وقایع جنگ فرنگستان

(از غره صفر ۱۳۳۷ تا ۱۵ جدی الأولى ۱۳۳۷)

در این اواخر اتفاقات و وقایع گوناگون آلمان نظر توجه عالماترا بخود جلب نموده و تقریباً خیلی از پیش آمدهای ممالک دیگر در تحت الشعاع واقع شده است. حقیقتاً هم وقایع چند ماه اخیر آلمان از

Rosa (۳)

Nationalversammlung (۲)

Hohenzollern (۱)  
Luxembourg

انتخابات نسبی

انتخابات نسبی که اولین بار در آلمان بموقع اجرا گذاشته شد خیلی از انتخابات از روی اکثریت بعدالت وانصاف نزدیکتر است. چونکه حکمت انتخاب اصلاً این است که تمام دسته‌های یک ملتی از طرف خود نماینده انتخاب کنند که عقاید آنها را نمایند و طرفدار باشد. وقتی که بنای انتخابات باکثرتیت شد معلوم است هر دسته‌ای که بیشتر طرفدار داشته باشد در انتخابات پیش میرود و دسته‌های دیگر را از نماینده داشتن باز میدارد و چه بسا میشود که مثلاً یک ثلث ملت و گاهی بلکه بیشتر هم بکلی بی نماینده میماند. مثلاً شهر بوشهر که باید دو نماینده انتخاب نماید فرض کنیم عدّه انتخاب کنندگان در آن شهر ۱۰۰۰۰۰ باشد و از این عدّه ۵۰۰۰ نفر دموکرات و ۴۵۰۰ نفر اعتدالی باشند معلوم است در موقع انتخابات دموکراتها پیش برده و اکثریت خواهند داشت و صاحب دو نماینده خواهند شد در صورتیکه اعتدالیها که عدّه‌شان یک در یازده از دموکراتها کمتر است بکلی بی وکیل و نماینده خواهند ماند و در امور مملکتی بی حق. در صورتیکه بنای انتخابات نسبی بر آن است که هر فرقه‌ای نسبت بعدّه خود نماینده داشته باشد و مثلاً در اصفهان که ۳ وکیل باید داشته باشد اگر عدّه انتخاب کنندگان فرقه دموکرات ۶۰۰۰ نفر و انتخاب کنندگان دسته اعتدالی ۳۰۰۰ نفر باشد دموکراتها دو وکیل و اعتدالیها یک وکیل خواهند داشت و نتیجه این گونه انتخابات نسبی مخصوصاً در ممالکی که دارای فرقه‌های سیاسی پارلمانی متعدد میباشد خیلی بیشتر محسوس میگردد مثلاً شهر برلن را که باید ۱۴ وکیل انتخاب نماید و دارای ۶ فرقه سیاسی است فرض میکنیم دارای ۷۰۰۰۰۰ نفر انتخاب کننده باشد و نتیجه شماره آراء بترتیب از راست بچپ از قرار ذیل باشد:

- ۱ = فرقه ملی عامه آلمانی (۱) (سلطنت خواهان کهنه پرست) ۲۸۰۰۰۰ رأی
  - ۲ = فرقه عامه آلمانی (۲) (معتدلین) ۱۴۰۰۰۰ »
  - ۳ = فرقه مسیحی عامه آلمانی (۳) (جمهوری طلبان معتدل و طرفداران حقوق کلیسا) ۷۶۰۰۰۰ »
  - ۴ = فرقه دموکرات آلمانی (۴) (آزادی طلبترین فرقه‌های غیر اجتماعی) ۱۱۲۰۰۰۰ »
  - ۵ = فرقه سوسیالیستهای اکثریت ۲۷۰۰۰۰۰ »
  - ۶ = فرقه سوسیالیستهای مستقل ۲۰۰۰۰۰۰ »
- ۷۰۰۰۰۰ رأی

در این صورت اگر بنای انتخابات با کثرتیت و اقلیت بود هر ۱۴ نفر وکیل بفرقه سوسیالیستهای اکثریت میافتاد که دارای ۲۷۰۰۰۰۰ رأی بودند و اکثریت داشتند و سایر فرقه‌ها که رویهمرفته دارای ۴۳۰۰۰۰۰ رأی بودند

Deutsche Volkspartei (۲)      Deutschnationale Volkspartei (۱)  
 Deutsche Demokratische Partei (۴)      Christliche Volkspartei (۳)

بی وکیل میمانند در صورتیکه بنا بانتخابات نسبی اگر چه باز عدالت کامل بعمل نخواهد آمد ولی این ظلم فاحش اقلأ مرتفع خواهد شد چنانکه ذیلاً دیده خواهد شد. در صورت انتخابات نسبی طریق تقسیم وکلا بین فرقه‌ها این است که اول عدّه کل آراء هر فرقه‌ای را در زیر اسم خود پهلوی یکدیگر مینویسند و بعد هر یک از آنها را به ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و غیره تقسیم مینمایند مثلاً در صورت مثالی که در فوق راجع بانتخابات برلن داده شده چنین عمل مینمایند:

فرقه ملی عامه آلمانی	فرقه عامه آلمانی	فرقه مسیحی عامه آلمانی	فرقه دموکرات آلمانی	سوسیالیستهای اکثریت	سوسیالیستهای مستقل	
۲۸۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۷۶۰۰۰۰	۱۱۲۰۰۰۰	۲۷۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	
۲۸۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۷۶۰۰۰۰	۱۱۲۰۰۰۰	۲۷۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	تقسیم ۱۴ =
۱۴۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰۰	۵۶۰۰۰۰۰	۱۳۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	» ۲ =
۹۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۳۷۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۶۶۰۰۰۰	» ۳ =
۷۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۹۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰	۶۷۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰	» ۴ =
۵۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۲۲۰۰۰۰۰	۵۴۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	» ۵ =
۴۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰	۳۳۰۰۰۰۰	» ۶ =
۴۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰	۳۸۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰	» ۷ =

پس از ترتیب دادن صورت فوق در میان حاصل قسمتهائی که در آن جدول مندرج هستند چهارده تائیرا که از همه بزرگتر هستند پیدا نموده و ۱۴ وکیل را بآن ۱۴ حاصل قسمت میدهند و در اینجا ما زیر چهارده حاصل قسمت مذکور خط میکشیم که پیدا نمودن آن برای خوانندگان آسانتر گردد. و از اینرو ۱۴ وکیل مذکور بجای آنکه تمام آن قسمت سوسیالیستهای اکثریت گردد بطریق ذیل قسمت میشود:

- سوسیالیستهای اکثریت ..... ۶ وکیل
- سوسیالیستهای مستقل ..... ۵ »
- فرقه دموکرات آلمانی ..... ۲ »
- فرقه مسیحی عامه آلمانی ..... ۱ »

۱۴ وکیل

معلوم است این ترتیب بعدالت وانصاف خیلی نزدیکتر است و نمایندگی ملت را خیلی بهتر اجرا مینماید ولی با وجود این چنانکه ملاحظه میشود باز خالی از نقص نیست برای آنکه مثلاً در مثال مذکور فرقه «ملی عامه آلمانی» که دارای ۲۸۰۰۰۰ رأی و فرقه «عامه آلمانی» که دارای ۱۴۰۰۰۰ رأی بودند بدون وکیل ماندند. ولی معلوم است که فرق مسئله باز بسیار است برای آنکه بجای ۴۳۰۰۰۰۰ نفر که چنانکه در فوق مذکور آمد در صورت انتخابات از روی اکثریت و اقلیت بی وکیل و نماینده میمانند حالا فقط ۴۲۰۰۰۰ نفر (۲۸۰۰۰۰ + ۱۴۰۰۰۰) بی وکیل میمانند یعنی فرق مسئله ۳۸۸۰۰۰ نفر میشود. و حتی در انتخابات نسبی برای آنکه این نقص

وعیب جزئی هم تا حدی رفع شود راهی پیدا نموده اند که عبارت است از آنکه فرقه‌هایی که عده انتخاب کنندگانشان خیلی کم است و احتمال آن می‌رود که از داشتن نماینده بی نصیب بمانند با هم در موقع انتخابات ائتلاف می‌نمایند و اغلب می‌شود که یک یا چند وکیلی می‌برند و بعد باز مابین خودشان از روی همان قرار تقسیم در جدول فوق معین می‌نمایند که این یک یا چند وکیل یک‌دام یک از فرقه‌های مؤتلفه می‌آید. مثلاً در مثال فوق انتخابات در برلن اگر دو فرقه «ملی عامه آلمانی» (۲۸۰۰۰ رأی) و «عامه آلمانی» (۱۴۰۰۰ رأی) با هم ائتلاف نموده بودند رویهم دارای ۲۸۰۰۰ بعلاوه ۱۴۰۰۰ رأی یعنی ۴۲۰۰۰ رأی میشدند و یک وکیل با آنها می‌رسید و بعد چون ۲۸۰۰۰ بیشتر از ۱۴۰۰۰ است آن یک وکیل بفرقه «ملت خواهان ملی آلمان» می‌رسید.

خلاصه آنکه در ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۷ زن و مرد ملت آلمان از روی انتخابات نسبی وکلای خود را برای مجلس اساسی انتخاب نمودند. روز مذکور و هم چند روز پیش از آن شهر برلن بسیار تماشائی بود. اعلانات و بیان نامه‌های مصور یا غیر مصور فرقه‌های مختلف دیوارهای کوچه‌ها و شیشه‌های مغازه‌ها و سطح زمین را سفید کرده بود. نویسنده این سطور خود آسمان بیانی را دید که از بالای آسمان هزارها از این اعلانات بر سر عابرین شهر می‌باراند و اعلانات مزبور با مانند گله‌های کبوتر از این طرف بان طرف میراند و برای تماشاگر منظره خیلی قشنگی ترتیب میداد. چند روز بعد نتیجه انتخابات داده شد و معلوم گردید که ۴۰ میلیون انتخاب کننده آلمانی ۴۲۱ وکلای خود را از قرار ذیل انتخاب نموده‌اند:

فرقه سوسیالیستهای اکثریت	۱۶۳	وکیل
فرقه مسیحی عامه آلمانی	۸۸	»
فرقه دموکرات آلمان	۷۵	»
فرقه ملی عامه آلمانی	۴۲	»
فرقه سوسیالیستهای مستقل	۲۲	»
فرقه عامه آلمانی	۲۱	»
فرقه‌های مختلفه محلی دیگر با هم	۱۰	»

۴۲۱ وکیل

در همان بین هیئت موقتی دولت مقرر داشت که مجلس اساسی در برلن منعقد نشود و در شهر وایمار (۱) محل تولد گوته (۲) شاعر مشهور آلمان پایتخت مملکت تورینگن (۳) از ممالک بیست و شش گانه آلمان برپا گردد. در ۵ جمادی الاولی ۱۳۳۷ اولین روز افتتاح مجلس اساسی بود. اغلب سفرای ممالک خارج و از آن جمله جناب آقای حسینقلی خان نواب سفیر ایران در آن مجلس مدعو بودند و حضور داشتند. ایرت سابق الذکر (رجوع شود بمقاله اول همین شماره) که رئیس هیئت دولت موقتی بود نطق افتتاحیه خود را بدین کلمات شروع نمود: «خانها و آقایان من دولت بواسطه من تهیتهای

خود را تقدیم این مجمع که واضع قانون اساسی خواهد بود مینماید. و خصوصاً تهیتهای خود را از صمیم قلب تقدیم خانمهای مینمایم که اولین بار با حقوق مساوی در مجلس شورای ملی قدم مینهند. انقلاب اقتدارات دولتی را بما سپرده بود و امروز ما آن اقتدارات را باختیار مجلس اساسی میگذاریم.» متصود از خانمهای که طرف خطاب ایرت میباشند قریب ۳۵ نفر زنهایی هستند که از طرف فرقه‌های مختلف وکیل شده‌اند. و این مسئله مساوات حقوق برای زنها حالا در بعضی از ممالک متمتدنه جاری است. خلاصه مجلس اساسی بنای سلطنت آلمان را بر جمهوری نهاده و در روز ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۳۷ همان ایرت سابق الذکر را بریاست جمهوری آلمان انتخاب نمود. ایرت که خود از رؤسای فرقه سوسیال دموکراتهای آلمان است و اکنون رئیس جمهوری است اصلاً سراج بوده است و از آنجائی که در واقعات اخیره بسیار کاردانی و عقل و حزم و اراده بمنصه ظهور رساند توجه و اعتماد ملت را بخود جلب نموده و کم کم بمقام مذکور رسید. ایرت فوراً شایدمان را که ذکرش در مقاله اول همین شماره گذشته است بریاست وزرا انتخاب نموده و شایدمان هم که خود از سردهستهای فرقه سوسیالیستهای اکثریت است هیئت وزرائی انتخاب نمود که اعضای آن از فرقه‌های چهار گانه ذیل میباشند: ۱ - سوسیالیستهای اکثریت، ۲ - مسیحی عامه آلمانی، ۳ - دموکرات آلمانی، ۴ - سوسیالیستهای مستقل.

از آن پس مجلس اساسی با کمال پشت گرمی مشغول انجام تکالیف خویش است و حالا باید منتظر شد و دید اقدامات دولت تازه در راه صلح و آتیه دنیا بکجا منتهی خواهد شد.

## صحبت‌های علمی و ادبی

اخیراً جمعی از ایرانیان مقیم برلین انجمن کوچکی برای مذاکرات و مباحثات علمی و ادبی ترتیب داده‌اند و از نتایج این انجمن ترتیب یک رشته صحبت‌های علمی و ادبی (کنفرانس) عمومی است که هر ماهی یکبار در تالار مخصوص یکی از قهوه‌خانه‌ها برای همه ایرانیان داده میشود. این صحبتها در حقیقت بشکل رساله‌ایست تحریری که مؤلف آن آرا در حضور مردم میخواند. صحبت اول مال آقای میرزا حسین خان کاظم زاده که در ۱۲ ماه محرم ۱۳۳۷ خوانده شد راجع باصلاح خط فارسی و تسهیل تعلیم الف بای آن بود. صحبت دوم مال آقای میرزا سید محمد علی خان جمال زاده بود راجع بتاریخ روابط روس و ایران از زمان قدیم تا حال (از سنه ۲۶۷ هجری باینطرف) که در ۹ ماه صفر ۱۳۳۷ داده شد. صحبت سوم بعنوان تمدن قدیم ایران و مذهب زردشت بود که آقای میرزا محمد علی خان تربیت در اواسط ربیع الاول ۱۳۳۷ گذشته خواندند و صحبت چهارم راجع بادیات فارسی و مخصوصاً فرق حروف دال و ذال بود که آقا میرزا فضلعلی آقا مجتهد تبریزی در ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۷ خواندند.

البته باید فرقی مابین این دو نوع در کتابت گذارد چنانکه در تمام نسخ قدیمه این تفاوت منظور بوده است. در این صورت تخصیص یاه تنکیر فقط بکتابت بصورت یاه و اخراج یاه خطاب از این قلمرو منطقی نیست و هیچ وجهی ندارد. بعبارة آخری هر کسی که بر عهده خود بگیرد که یاه تنکیر را بصورت یاه بنویسد البته چاره‌ای ندارد که یاه خطاب و یاه نسبت را نیز بصورت یاه بنویسد یعنی مثلاً کسی که بر عهده خود گیرد که «بنده از بندگان شمام» را «بنده‌ای» بنویسد البته باید «تودر خانه» و «تو آمده» و «ملا حسین بشرویه» و «میزرا محمد رضای قشقه» و «فلان کمره» و «بهان آبان» را نیز قطعاً بصورت یاه بنویسد چه بدیهی است که تخصیص بدون تخصیص و ترجیح بلا مرجح معقول نیست و راقم سطور نیز در چند سال قبل در مقدمه «جهانگشای جوینی» که با اهتمام اینجناب در هلاند بطبع رسیده است صفحه ۷۰۰ ص ۷۰۰ همینطور پیشنهاد کرده بود. و در جمیع نسخ قدیم فارسی که تا حدود سنه ۶۰۰ هجری استنساخ شده تا آنجا که راقم سطور دیده است از قبیل تذکرة الاولیاء شیخ عطار و جهانگشای جوینی و تفهیم ابوریحان بیرونی و المعجم فی معاییر اشعار الجهم شمس قیس رازی و کتاب الانبیه عن حقایق الادویه لابی منصور موقق بن علی الهروی که بخط اسدی شاعر یک نسخه از آن بخط کوفی مورخه سنه ۴۴۷ در وینه موجود است و راجة الصدور راوندی در تاریخ سلجوقیه و ترجمه تاریخ طبری و غیرها این قاعده رسم الخط مرعی بوده است. و از حدود سنه ۶۰۰ تا حدود ۸۰۰ یعنی تا عهد امیر تیمور نیز غالب نسخ این املا را محفوظ میداشتند ولی نه بطور حتم و کلی بل جسته جسته در بعضی از نسخ و در یک نسخه در مواضع مختلفه آن رسم الخط جدید شروع بظهور کرده بوده است و بعد از عهد امیر تیمور دیگر گویا نسخه‌ای دیده نمیشود که رسم الخط قدیم در آن مراعات شده باشد.

« بنا بر این مستعدی است اگر مرجعی برای تخصیص یاه تنکیر بنویشتن بصورت یاه و نوشتن یاه خطاب و یاه نسبت بصورت یاه در نظر دارید خوب است در «کاوه» منتشر بفرمائید تا خوانندگان مسبوق گردند و اگر مرجعی و تخصیصی در نظر ندارید بلکه اخراج یاه خطاب از این قاعده و سکوت از یاه نسبت محمول بر مجرد غفلت و عدم التفات بوده است پس خوب است که در شماره آتیه کاوه اخطاری باین مضمون بفرمائید که «بعد از این جریده کاوه تمام یاهات تنکیر و یاهات خطاب و یاهات نسبت را در آخر کلمات مخومه بهاء مخفیته بصورت یاه (ای) خواهد نوشت و یاه اضافت و یاه توصیف را بهمان طریقه سابق بگذارند همزای در بالای یاه (خانمن، هفته گذشته) مرقوم خواهد داشت». در هر صورت این اقدام شجاعانه جریده کاوه شایسته تحسین و تهنیت است.

محمد قزوینی

برلین ۷ صفر ۱۳۳۷

این صحبتها چنانکه رئیس هیئت عامله آقای کاظم زاده در نطق افتتاحی خود شرح دادند برای توسیع دایره اطلاعات هموطنان ما در برلین ترتیب داده شده و شایسته همه گونه تحسین است. مخارج لازمه ترتیب این صحبتها و طبع اوراق و غیره را همان شش نفر اعضای هیئت عامله از خود میدهند و اگر کسی از خارج اعانتی بناید البته مورد امتنان و تشکر خواهد بود چنانکه جناب حاجی رحیم آقا تاجر قزوینی صد مارک برای این کار دادند. امید است که این کار خیر دوام پیدا کند و اساسی گیرد و بتشویق و معاونت هموطنان بعضی از این رسائل مفیده نیز بطبع برسد.

## راجع بمقاله رسم الخط

در شماره پیش «کاوه».

مقاله ذیل را جناب آقا میرزا محمد خان قزوینی فاضل و ادیب معروف برای درج در «کاوه» مرقوم داشته‌اند. جناب ایشان از ابتدای تأسیس این روزنامه کمک قلمی و فکری زیاد بکارکنان این روزنامه کرده‌اند و مقالات و تحریراتی که در «کاوه» تا حال نوشته‌اند مانند سایر مقالات این روزنامه و بر طبق قاعده و رسم عمومی ما بی امضا درج شده است خصوصاً که از مقوله سیاسی و غیره بوده ولی اینک این مقاله را برای آنکه راجع بفن و رشته مخصوص خود ایشان است و قول ایشان سندیت مخصوص دارد و حجت است با امضا درج میکنیم و بعد از این هم در هر شماره در نظر است که یک قطعه علمی یا ادبی یا تاریخی از نگارشات ایشان با امضا درج کنیم:

«خدمت اداره روزنامه «کاوه» عرض میشود: در شماره اخیر کاوه (شماره ۳۱-۳۲) صفحه ۱۷ اخطاری راجع برسم الخط ملاحظه شد که حاصلش این بود که جریده کاوه مصمم شده است بعد از این یاهات تنکیر را در کلمات مخومه بهاء مخفیته در مثل «بنده از بندگان شمام» و «خانه بزرگ و باغی وسیع خریدم» و «هفته مانند سالی گذرانیدیم» همانطور در کتابت هم برسم نسخ قدیمه بصورت یاه بنویسد یعنی «بنده‌ای» و «خانه‌ای» و «هفته‌ای».

«اولاً از این قدم اول که جریده کاوه در راه اصلاح خط فارسی برداشته بغایت خرسند شده اداره تحریریه آن جریده را بر این جرئت و اقدام تهنیت میگویم و امیدوارم سایر اصلاحات املا را نیز متدرجاً در جریده خود بمرض اجرا گذارند.

«ثانیاً عرض میکنم که این اقدام جریده کاوه ناقص و بقول طلاب دلیل آن اعم از مدعی است باین معنی که علت منطقی نوشتن یاه تنکیر بصورت یاه این است که این یاه یاه صریحه مشبهه است نه مثل یاه اضافت و توصیف مثل خانه من و خانه تاریک که یاه نه مشبهه است و نه صریحه بل مانند همزه ملینه تلفظ میشود (رجوع کنید بمعاییر اشعار العجم صفحه ۲۲۱) و برای عدم التباس یاه صریحه مشبهه یاه غیر صریحه غیر مشبهه

(۱) کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم تألیف شمس الدین محمد بن قیس الرازی بسعی و اهتمام پرفسور ادوار برون و تصحیح میرزا محمد بن عبد الوهاب قزوینی در سنه ۱۳۲۷ در بیروت بطبع رسیده است.